سال دوم ـ شماره ۱۷۲ صبح پنج شنبه ۵ مرداد ماه ۱۳۲۳ تك شماره یکریال و نیم

آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آژیر روزهای یکشنبه ـ سه شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

« بهای اشتراك »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

جای اداره:
(خیابان لاله‌زار ـ پاساژ بهار)

مردم بیدار باشید!

کلاه سرتان نرود! یکی از مسائل حیاتی شما در معرض خرید وفروش وحق دلالی قرار گرفته است میخواهند معادن نفت کشور ـ تان را قربانی بکنند.

برای پوشاندن این مطلب پارازیت‌های مجلس بیشتر از همه در جنب و جوش هستند می‌خواهند باشکستن قلمها وبستن زبانها محیط را خلوت کرده با فروختن ثروت طبیعی شما به کرورهای بیحد و شمار خود بیفزایند.

گول نخورید اغفال نشوید منابع ثروت ایران مال خود ملت ایران است آن را فقط ملت ایران می‌تواند استخراج کند.

دست خائنین را کوتاه. نمایندگان میهن فروشرا رسوا کنید. راه ندهید یك دیکتاتور دیگر را باسم مشاور یا مستشار نفت بگرده شما سوار بکنند.

ایران مال ایرانیان است.

خائنین کشور مارا

بکجا میکشانند؟

جنك خونین جهانی درد به آخر میرسد کشور لایز باخانمه آن سر دوراهی بزرگی قرار خواهد گرفت ملت ایران یکی از این دوراهرا ناچار است انتخاب بکند حد وسط امکان پذیر نیست . از هم اکنون وضعیت مملکت بجائی کشیده شده است که بنا بعقیده متفکرین باید هرچه زود تر برای تغییر آن قدمهای اساسی تری برداشته شود

دو راهی که گفتیم بر واضح و آشکار است باکمی تعمق ودقت دیده میشود

یکی از آنها تجدید و احیای دیکتاتوری،ظلم و جور و تعدی و قتل و خیانت و ادبار دیگری آزادی تکامل وترقی وعدل‌وداد را درپیش دارد

همه ای از حالا کشور را براه اول میکشانند این‌ها برای رسیدن بهدف خود از تمام وسایلی که پیش آمدها در اختیارشان گذاشته است استفاده می کنند.

کرسیهای مجلس شورای ملی،ماشین عظیم سازمان دولتی بزمن،پول وثروت مقام و زبان و قلم بالاخره هرچیز یکه ممکن است بواسطه آن طبقات دیگر جامعه را زیر فشار قرار داد در انحصار اینها است .

خنده آور بود اگر خیال میکردیم محرك نیروی ارتجاع فقط دست بیورو کراتها و عناصر مافوق طبقاتی است . نه خیر حتی بیوروکراتهاهم جنبه طبقاتی دارد هیچگونه عناصر مافوق طبقاتی نمیشود و هیچ عملی خارج از منظور طبقاتی انجام نمیگیرد .

راه دیکتاتوری راه ارتجاع را بالاخره همان طبقه ایکه آمروز تسلط و نیروی حاکمه را دردست دارد باز کرده است او امروز زیرپای خود را متزلزل دیده میترسد که فردا نیروی دیگر یعنی نیروی توده،نیروی اکثریت ملت،نیروی جوان با احساسات وجدی طبقه زحمتکش بالا گیرد تسلط و اختیارات جامعه را از چنك او بربایند .

اگرچه طبقه مردم تنها امروز در مبارزه سیاسی پیشرفت محسوسی نکرده ظاهرا نتوانسته است به آثارات دولت نزدیکتر شود ولی اگر با احساسات عمومی و افکار توده بان نگاه بکنیم خواهیم دید که در متن جامعه اوضاع عظیمی دارد بوجود میاید .

فردای دیدار شما چطور می‌بینید و خیال میکنید اینهمه سربازان واسران و طبقات زحمتکش دیگر که امروز در میدانهای جنك ودرکارخانه‌های گوناگون مشغول نبرد هستند و میخواهند نیروی اهریمن ارتجاع بین المللی را منهدم بکنند فردا وقتی که بخانه های خود برگشتند به آسانی تسلیم قضا و قدر شده اجازه خواهند داد بکشت باوازیت یکعده منافعت جو از حاصل زحمت آنها استفاده نموده بالا سرشان آقای مطلق داشته باشند ؟

این خیال محال وآرزوی بی پایه ایست دنیا دارد بطرف آزادی و دموکراسی حقیقی میرود دانشمندان دنیا هم اکنون دارند برای تامین احتیاجات عمومی برای جلوگیری از تصادم شدید طبقاتی برای تعدیل ثروت ودارائی برای اسکات احساسات شدید ضد ارتجاعی تدابیر جدی وعاقلانه وعمیقی میاندیشند باوجود این خطر بسیار بزرگی درپیش است وهیچکس نمیتواند آنرا انکار بکند

ما میخواهیم بدانیم که کشور ما ممکن است از این خطر بر کنار باشد؟ با میشود برای خاطر چشم و ابروی زیبای چند نفر پارازیت ومفت خوری که مانند هنکبوت درفضای خانه عمومی ملی برای مکیدن خون اکثریت دام گسترده اند ساکت وآرام نشسته صدای خود را در نیاورند؟

این بیچه گی است این سفاهت ونادانی است

اگر ارتجاع غلبه کرد ومرا را بسراه اولی بکشاند نتیجه جز اضمحلال ملت و محو استقلال مملکت نخواهد بود

اگر راه دومرا توانستیم پیش بگیریم حتما بساحل نجات خواهیم رسید

سر دوراهی البته جنك وکشمکش شدیدتر خواهد بود ماهم مانند بیشتر از هم میهنان خود از جنك و برادر کشی خوشمان نیاید دلمان میخواست که طبقات متمکن وثروتمند و متنفذ کشورما عاقل بودند و کاررا نمیگذاشتند بآنجا بکشد و اجازه میدادند مردم ایران ازحق مشروع خود استفاده نمایند

بدبختانه اینها باندازه حریص هستند که چشمشان زیر پای خودرا نمی بینند تا مردانه حمله میکنند خانمانه مشغول غارت وبیغماگری هستند بیدادگرانه حقوق دیگرانرا زیرپا میگذارند

بدینوسیله زمینه انقلاب وخونریزی شدیدرا بادست خود برعلیه خود تهیه میکنند

این دیگر تقصیر کسی نیست معرکه واقعی خودشان هستند وقتی که با سیلی سخت ملت ازخواب غفلت بیدار شدند ناچار باید خودرا مقدرت نمایند

میگویند درایران زمینه برای انقلاب وجود ندارد شاید از بعضی جهات اینطور باشد ولی انقلابرا عناصر ضد انقلابی خودشان بادست های ناپاك خود تهیه میکنند

واقعا اگر کار بدین منوال پیش برود غیراز انقلاب چاره دیگری نیست

بقلم ایلیا اورنبورك

از مجله «دنیای نو» چاپ مسکو
ترجمه ك. ل.

سلاح قلم

بقیه از شماره قبل

در شماره گذشته اغلاط بسیاری در این مقاله پیدا شد . فاحش تر ازهمه در صفحه ۱ ستون ۳ سطر ۲۲ بود که بجای «پیروزی فکر ووجدان هم هست» «پیروزی فکر ووجدان هم نیست» نوشته شده بود از خوانندگان معذرت میخواهیم

عده از نمایندگان مجلس شورای ملی چند نفر ازوزراء شخص آقای نخست وزیر و اغلب مدیران جراید دراین جشن ملی شرکت داشتند .

ساعت هفت ربع آقای پیشه وری نماینده حقیقی تبریز که ازموسسین جبهه آزادی است درمیان کف‌زدن ممتد حضار پشت تریبون آمده افتتاح جلسه را اعلام کرد .

بابیانی که درزیر خلاصه آن را می نویسیم وضع امروز مطبوعات را برای حضار تصویر نمود.

خلاصه نطق آقای پیشه وری

بسیار خوشوقتم که همکاران محترم من افتخار افتتاح مجلس جشن سالیانه جبهه آزادی را بمن واگذار کردند .

اگر بخواهم در این مجلس بشرح اهمیت مطبوعات واتحاد آنان بپردازم توضیح واضحات خواهد بود . زیرا آقایان حضارهمه اهل قلم بوده بطور مستقیم وغیر مستقیم بامطبوعات سروکار دارند و ازاهمیت ومقام آن کاملا مطلع میباشند فقط میخواستم چند کلمه در اطراف روزنامه های امروز ووضع حالیه مطبوعات حرف بزنم

میگویند روزنامه‌ها خیلی زیاد شده است واین برای مطبوعات مایك عیب و نقص بزرگی است .

بعقیده من گویندگان این حرف‌ها دراطراف موضوع خوب دقیق نیستند و از وضع حقیقی مطبوعات و از روحیه نویسندگان اطلاع ندارند گذشته وحال وآینده را درنظر نمیگیرند .

ما هم انکار نمی کنیم البته عده روز نامه‌ها خیلی زیاد شده است شاید بعد از این زیادترهم بشود ولی این یك پیش‌آمد ناگواری نیست وبی‌علت وسبب هم اتفاق نیفتاده است

من هنگام قضاوت هوس نویسندگی خودمرا در نظر میگیرم سه سال پیش در

بقیه در صفحه ۲

جشن آغاز دومین سال

جبهه آزادی

روز دوشنبه ۲۶ تیر بمناسبت آغاز دومین سال جبهه آزادی درتالار سخنرانی مدرسه دار الفنون مجلس جشنی دعوت شده بود .

عده از نمایندگان مجلس شورای ملی چند نفر ازوزراء شخص آقای نخست وزیر و اغلب مدیران جراید دراین جشن ملی شرکت داشتند .

ساعت هفت ربع آقای پیشه وری نماینده حقیقی تبریز که ازموسسین جبهه آزادی است درمیان کف‌زدن ممتد حضار پشت تریبون آمده افتتاح جلسه را اعلام کرد .

بابیانی که درزیر خلاصه آن را می نویسیم وضع امروز مطبوعات را برای حضار تصویر نمود.

خلاصه نطق آقای پیشه وری

بسیار خوشوقتم که همکاران محترم من افتخار افتتاح مجلس جشن سالیانه جبهه آزادی را بمن واگذار کردند .

اگر بخواهم در این مجلس بشرح اهمیت مطبوعات واتحاد آنان بپردازم توضیح واضحات خواهد بود . زیرا آقایان حضارهمه اهل قلم بوده بطور مستقیم وغیر مستقیم بامطبوعات سروکار دارند و ازاهمیت ومقام آن کاملا مطلع میباشند فقط میخواستم چند کلمه در اطراف روزنامه های امروز ووضع حالیه مطبوعات حرف بزنم

میگویند روزنامه‌ها خیلی زیاد شده است واین برای مطبوعات مایك عیب و نقص بزرگی است .

بعقیده من گویندگان این حرف‌ها دراطراف موضوع خوب دقیق نیستند و از وضع حقیقی مطبوعات و از روحیه نویسندگان اطلاع ندارند گذشته وحال وآینده را درنظر نمیگیرند .

ما هم انکار نمی کنیم البته عده روز نامه‌ها خیلی زیاد شده است شاید بعد از این زیادترهم بشود ولی این یك پیش‌آمد ناگواری نیست وبی‌علت وسبب هم اتفاق نیفتاده است

من هنگام قضاوت هوس نویسندگی خودمرا در نظر میگیرم سه سال پیش در

بقیه در صفحه ۲

www.iran-archive.com

جشن آغاز دومین سال

جبهه آزادی

بقیه از صفحه اول

زندان من مرکزی بسر میبردم خودم روقایم اگر یك تیکه مقر مدد با بالاندازه دو انگشت کاغذ مستعمل یا چند صفحه روزنامه گیر مامی آمد خودرا خوشبخترین مردمان عالم میدانستیم من کتابی نوشته ام که شما در آن برگهای بسیار گوناگونی تصادف میکنید چند صفحه با آب کلوهای قرمز یا آبی چند صفحه دیگر با مداد کپی یا دوده حتی با خون نوشته شده است .

وقتی که چنین آدمی ازمسعودیت خلاص میشود البته نمیتواند ساکت بنشیند و از نوشتن طرف نظر بکند . تنها زندانیان اینطور نبودند بلکه تمام کشور تمام مردم را بیتابها را داشتند هر کس وقت خارج شدن از خانه خود ناچار بود باعامیل خود خداحافظی بکند . کسی نمی توانست جرئت نوشتن وحرف زدن داشته باشد مملکت بوادی خاموشان تبدیل شده بود تازه روزنامه نویسها هم ازترس سانسور ناچار بودند افکار خود را خفه کرده فقط بنوشتن اخبار ساده و تکرار حرفهای بی معنی قناعت بکنند .

باسقوط کابوس استبداد و آزادشدن زبان وقلم طرفی بودکه هوس نوشتن می بایستی قوت بگیرد ومردم برای اظهار عقاید وافکار تازه وتضییق شده خود ازمطبوعات استفاده بکنند

بنابر این از ازدیاد روزنامه ها نباید تعجب کرد این درست عکس اعمال آن مسعودیت شدیداست تازه خود این یك عیب ونقص بزرگی نیست

بیش ازشهریور بیشتر سه یا چهار روزنامه نداشتیم که نیز از آن ها از ۵۰ هزار تجاوز نمیکرد . امروزدر مرکز صد و چند روزنامه منتشر میشود و بطورکلی عده خوانندگان هریك از آنها و اگر دوهزار نفر حساب بکنیم شماره روزنامه خوانها ازدویست هزارتجاوز خواهدکرد این ازنقطه نظر فرهنگی اهمیت بسیار بزرگی دارد .

بالامره برای ملتی که کتاب نداورد وسیله سرگرمی وتحصیل ومطالعه ندارد پیدایش روزنامه ها وسیله بسیار مفید بسیار خوب بسیار قابل ستایش است

وآنکهی پیدا شدن روزنامه های جدیدازحیث تربیت جوانان ونویسندگان بسیار مهم است قبل از شهریور در اثر فشار سانسور نویسندگان نویسانستند افکار خودرا آزادانه روی کاغذ بیارند وهنر خودرا بخوانندگان نشان بدهند. از این جهت فن نویسندگی بقوت رابرگشته بود . شما ده نفر نمیتوانستید پیدابکنید که بتوانند درموضوعات سیاسی واجتماعی قلمفرسائی کرده نوشته های خودرا بچاپی برسانند . مقالات خشك بیروح وخسته کننده بود . نویسندگان بزرگ بیرون نداشتند ناچار بودند در دائره تنك و کوچکی که سانسور برای آنها ایجادکرده بود محصور باشند .

اصلاستبداد وارتجاع ودیکتاتوری قاتل نویسندگی است مثلا در ترکیه سابق مردم نمیتوانستند کلمه بینی را بقلم بیارند زیرا سلطان وقت (عبدالحمید) دماغش بزرگ بود سانسور دماغ وبینی راکتابه حساب کرده ازاستعمال آن جلوگیری می نمود در کشور ما مثلا اسم رضاخان نمیشد نوشت ممکن بود سانسور ازآن نتیجه دیگر بگیرد . البته در چنین محیطی غیرممکن بود نویسنده وادیب ومردسیاسی تربیت بشود .

ولی امروز ما باکمال سربلندی و افتخار میتوانیم نویسندگان جوان و تحصیل کرده و هنری بشمائشان بدهیم که بااقلم توانای خود مشکلترین مسائل اجتماعی وسیاسی و عمومی مطرح کرده باکمال زیر دستی از نوشته خود نتیجه بگیرند این اثر مستقیم نزولی روزنامه است .

اصلا روزنامه ها بعد از شهریور برای خود راه باز کرده وآزادی که امروز بنظرتان میرسد درمبارزه شدید بدست آمده است .

نزولی روزنامه ها درزبان هم تاثیر بسیار وسیعی بخشیده است .

زبان روانتر، سلیستر، محکمتر شده است ازهمه مهمتر سادگی آدمیت امروز نویسندگان بتوده مردم خیلی نزدیکترشده اند وسعی میکنند طوری بنویسند که همه بتوانند از نوشته آنها استفاده بکنند .

یکی ازطرفهای خوب روزنامه ها تنوع است .

امروز تیپ های بسیار گوناگونی توانسته ایم بوجود بیاوریم .

ازروزنامه ها وهنگی رستاخیز ایران امید، ومردم برای روشن فکران روزنامه های بسیارمفیدی هستند روزنامه های بومیهم خیلی خوب و آبرو مند شده اند .

میزان مشاهده این همه روزنامه جدید وغنیم بسیار خوشوقتم طوری که در اداره روزنامه ایران شوخی برای چند نفر ازدوستان خود گفتم من توی روزنامه ها غلط نمیزنم .

این اغراق نیست من بعضی ازآنها را برای کسب معلومات بعضی را فقط برای خبر بعضی دیگر را برای تفریح بعضی را هم برای اینکه چیزی خوانده باشم مطالعه می کنم وبعقیده من هر یك بجای خود بسیار خوبست .

می گویند روزنامه ها برای منظور های مادی بوجود میآیند اولا این هیچ عیبی نیست بگذار برای منافع مادی باشد بالاخره روز نامه نویسی هم یك فن وصنعتی است اگر کسی بخواهد از آن راه تامین معاش بکند کاو بدی نکرده علاقی مرتکب نشده است درصورتیکه این طور نیست بعقیده من محرکین اغلب نویسندگان هوی و عشق نویسندگی است اگر هدفی درین نباشد من جرئت کرده میگویم که این بکنوع جنون است

من اشخاصی را می شناسم که خانه خودرا فروخته وروزنامه تاسیس کرده اند .

اگرعشق نبود اگر هوس نبود هیچ کس حاضر نمی شد برای یك ماهی که هیچگونه فایدهٔ مادی ندارد خودرا به زحمت انداخته وقت وسرمایه وعمرخود وارزای یك کاو برنج ودودرسر تلف بکند .

البته مترتبین اشتباه می کنند روز نامه نگاران هستی وجود خودراوقف جامعه کرده برای پیشرفت مقاصد ملی است که دارند این همه فداکاری از خود بروز می دهند یکی دیگر از ایرادات بنی اسرائیلی که برای روزنامه ها قائل هستند استعمال کلمات زننده وبکاربردن عبارات تند وخشونت آمیز است

این طبیعی است اگر به تك فروشی روزنامه توجه بکنید خواهید دید که روزنامه های تند بیشتر خریدار دارند تا روزنامه های ملایم علتش واضح است برای این که مردم اوضوضیت کشور دل خوشی ندارند .

خرابی کاردر تبریز بلافکر زمامداران بالاخره شدت روز افزون ظلم و زور بیداد گری مردم را نسبت بهم بدبین و ناراضی کرده است لحن شدید و زننده روزنامه ها اندازه مفسر روحیه آن ها است مردم وروزنامه هاتستی ازافکار وعقاید خودرا مشاهده کرده واز خواندن آن ها خوشنان می آید عبارات تند و زننده و خشن روح آن ها را تسکین می دهد وآتش درونشان را آب سرد می باشد اگر بخواهیم روزنامه هارا اصلاح بکنیم باید کثافت کاری های اجتماعی را ازبین ببریم .

تاظلم هست ناخدعه وتیرنك وحقه بازی ومظلوم کشی هست روزنامه های تندروی هم خواهند بود .

وانگهی این موضوع آن ارزش را ندارد که به بهانه آن برعلیه مطبوعات جنك طلبی اعلان بشود .

اگر روزنامه نویسی ۱۰۵ را توهین کرد میتواند بمحکمه مراجعه کنید . این مثل یك جرم عادی است مثلا اگر کسی مرا توهین بکند از دو حال خارج نیست یا طبق تعلیمات مسیح مقاومت نموده برای شنیدن توهین سخت تری خودرا حاضر می کم یا طبق فلسفه دیانت اسلامی کیفر ومجازات اورا از راه قانونی خواستار میشوم

گمان نمیکنم کسی قادر باشد برای جلوگیری ازتوهین دهن همه مردم را ببندد

بهرحال روزنامه های ماراهی را که بار گردانده اند موفقیت و پیروزی تعقیب خواهند نمود . هدف این مردمان فداکار همین دوستی که هلاب برای آزادی نبرد میکنند ترقی وتعالی کشورماست .

اگر کسی بیهوده باستقامی وفشار و بدبختی وبازار مادی ومعنوی کارخودرا ادامه میدهد جنبا این اصل بزرك و قابل ستایش است

یکی ازمسائلی که از شرف ترمالی آقای نخست وزیر باما استفاده نموده عرض کنم آن موضوع همکاری دولت ومطبوعات است .

تاحال دولتها در قدم اول تغریبا حاضر میشدند بامطبوعات تشریك مساعی بکنند ولی زدوبندها ومذاکرات وسعی آنها که بیشتر جنبه تعارف داشت کوچك ترین نتیجه بدست نمی آمد

فعلا آنهم تقریبا ترك شده است

تاره اگرهم نمیشد فایده نداشت زیرا اصول وعقد صحیح نبود دولت حقش بود بنوشته های مطبوعات اهمیت بدهد آنها را بی جواب نگذارد داستان باید اتهاماتی که دو جریانات رسیده میکند فورا مورد توجه قرار بدهد متهمین را تعقیب نماید پس ازرسیدگی کامل نتیجه را دو جرایدا اعلان بکند .

اگر روزنامه نویسی حقیقتا جرمی را کشف گرده است باید تشویق بشود . اگر بر خلاف حقیقت چیز نوشته باشد البته باید برای عبرت دیگران مجازات وکیفر خودرا بچشد وهمه مردم هم بدانند که حرفهای او روی اساس و پایه ای نبوده است

وانگهی زمامداران ما میل دارند روزنامه های ما ساکت باشند عیب ونقص کارها را انتشار ندهند این خبط وخطای بزرگی است

این مثل پوشاندن روی زخم است درصورتیکه آنرا باید شکافت جراحتش را بیرون آورد بعداز روی اصول صحیح معالجه کرد

گفتنی نوشتنی زیاداست متاسفانه بواسطه کمی وقت همه را نمیشود بزبان آورد

اما راجع بسازمان جبهه آزادی آقای فروزش بطور تفصیل گزارش خواهند داده من بطور مختصر باید عرض کنم

اخبار کشور

احضار سفرای کبار

بقرار اطلاع از طرف دولت سفرای کبار ایران مقیم پایتخت های انگلستان شوروی - ترکیه و مصر برای مذاکره در مسائل مربوط به بعداز جنك احضار گردیده اند .

آقای جم سفیر کبیر ایران درقاهره دوروز پیش با هواپیما بتهران وارد شده است .

دعوت در استانداری

رضائیه - روز شنبه گذشته بنا بدعوت آقای سرهنگ دوخشانی استاندار جدید عده از وجوه معارف و روسای اصناف در استانداری حضور بهمرسانیدند

آقای استاندار بیانات جامعی راجع بلزوم و بسط اقتدار حکومت مرکزی و استقرار امنیت در شهر و دهات رضائیه بیان و امیدواری دادند با اطلاعات و سوابق که در دورهٔ ماموریت های سابق خود دارند امنیت کامل را مستقر سازند و عموم اهالی را با توجهات دولت مستظهر و امیدوار نمودند .

رئیس اداره بازرگانی

آقای یوسف زرقی رئیس اداره بازرگانی و پیشه وهنر بدر مرکز منتقل و آقای یوسف نجم آبادی بریاست اداره مزبور منصوب شدند .

دادگاه دیوان کیفر

آقای حبیب الله هلالی انبار دار کشاورزی خرم آباد باتهام اختلاس درشعبه ۲ دیوانکیفر بریوتعداش رسیدگی گردید و بنوعاه حبس تادیبی وپرداخت ۴۷۰۰ ریال غرامت و انفصال ابد محکوم شده است

---

www.iran-archive.com

که این تشبیهات بایك طرفانی شروع شد لم کم بزرگ افتاده سیر طبیعی خودرا بدست آورد البته روزنامه ها هم باید بر سیب روش اساسی خودرا حفظ بکنند قوه بکار داشته باشند وتنوع هم بسیار خوب است باوجود این بعضی مسائل اساسی صنفی هست که همه آنها میتوانند با هم متحد باشند یکی از آنها آزادی مطبوعات است ما برای این آزادی مبارزه خواهیم نمود .

پس از طی آقای پیشه وری که با گفتن دمند بآخر رسید

آقای فروزش خطابه خودرا آغاز کرد روی آرمان و هدف جبهه آزادی همچنین ازمالیات گذشته ووضع حالیه و برنامه آینده آن معلومات جالب توجهی داد باشعف وشادی آنرا بآخر رسانیده حاضرین را بصرف چائی وشیرینی دعوت نمود .

جشن نخستین سال جبهه دوریك محیط پراز صمیمیت ویکانگی خانه بافت

برای نشاندادن صمیمیت ویکانگی درنعمت کلیشه تمام جرایدجبهه آزادی بیانیه بسیار جالب توجهی این منتشر گردیدکه خود برای سالهای آینده سر مشق بسیار مفیدی خواهدبود

جبهه آزادی درهر کرتاه خودبا طوفانهای بسیار شدیدی روبرو شده و اثر پافشاری وپشت کار وایمان کارمندان علاقمند خود توانسته است موجودیت خود را حفظ کرده بردشمنان خودفائق گردد جبهه آزادی درمبارزه بااربتجاع وتمایلات گوناگون دیکتاتوری امتحان خودرا داده راه خودرا باز کرده است

امیدواریم این راه استقیمی که جبهه پیش گرفته است بمقاصد عالی خود وسیعه درراه حفظ آزادی ومحو ونابود کردن استبداد مقام حقیقی خودرا بدست خواهد آورد

کمیسیون بودجه مجلس

بیش از ظهر دیروز کمیسیون بودجه مجلس باحضور آقایان وزیرمشاور و آقای اردلان وزیر پیشه وهنر و آقای وحید کفیل وزارت فرهنگ تشکیل و مذاکراتی درباره بودجه جزءوزارتخانه های مربوط ادامه داشت .

تیر اندازی و فوت یك جوان ۳۰ ساله

ساعت ۱۰/۳۰ صبح اول مرداد علی یاسیان شماره ۹۹۷ باتفاق عباس سرباز مامور فرمانداری نظامی پاس خیابان مولوی شخصی را که مدعامولوشد بوالفضل هدایت بود ۳۰ ساله شاگرد مکانیك بوده در کوچه شیخ مقدم کنار دیوار مشاهده وبمحض رسیدن مامورین فرارمی کند وچون سربازبار ایست دادهو رفت نکرده سه تیر بطرف متارالیه خالی و در نتیجه یك گلوله بشکم او اصابت و درمیدان اعدام بزمین افتاده که بیمارستان اعزام در ساعت ۶/۳۰ صبح زیردرمان در گذشته است کلانتری بخش ۵ مقامات مربوطه را آگاه وقضیه تحت تعقیب میباشد .

در انجمن مبارزه باتریاك و الکل

بیست و پنجمین جلسه انجمن مبارزه باتریاك و الکل روز دوشنبه بریاست آقای دکترمرزبان درمحل انجمن تشکیل گردید در موضوع دوره درمان معتادین چون نقصه باندازه کافی ازطرف آقایان داروسازان نرسیده بود لذا اخذ تصمیم بهفته بعد موکول شد تا در این هفته آقایان داروسازانی که میل دارند در ساختن داروی ترك تریاك بحث نظر انجمن شرکت کنند درخواست خود را ارسال دارند .

موضوع تهیه قوانین برای منع کشت تریاك مورد مطالعه قرارگرفت وآقای دکتر کشاورزهم قبول عضویت نموده اند

زمین لرزه

چهارساعت بعدازظهر روزاول مرداد در کرمان زمین لرزه نسبتا شدیدی حادث شده که خوشبختانه خسارات وتلفاتی نداشته است .

آقای راد استاندار کرمان هم بر بروز بطرف تهران حرکت کرده اند .

کمك صلیب سرخ لهستان

ازطرف نماینده صلیب سرخ لهستان در ایران برای کمك بسالخوردگان کرگان چکی بمبلغ ۱۵۲۷۶ ریال برسم اعانه ومقداری هم درحدود ۱۶۸۸ بقیه ملبوس به جمعیت شیر و خورشید سرخ اهداء شده است .

دراطراف خوی

فرماندار خوی یك آگهی مبنی بر استقرار امنیت در اطراف آنشهرستان منتشر نموده و باین ترتیب تا اندازه ای نگرانی مردم مرتفع شده است .

تغییر ماموریت قضات

اشخاص مفصلهٔ الاسامی ذیل ازطرف وزارت دادگستری تغییرماموریت حاصل کرده اند .

آقای حسین منطقی بسمت دادیاری دادسرای تهران آقای مسعود همایونی بازرس قضائی در اداره نظارت آقای حسین مهدوی بسمت بازپرسی شعبه ۳ اصفهان - آقای علی اکبر طائفی بسمت بازپرسی شعبه ۸ تهران آقای محمد کسرائی بسمت دادیاری دادسرای تهران آقای کیانی بسمت دادیاری دادسرای تهران آقای علی اصغی بسمت بازپرسی شعبه دوم دادسرای تهران .

مهمترین وقایع جهان

دومقتول دیگر در اثر سوء قصد برعلیه هیتلر

برلن ـ خبرگزاری رویترخبر می دهد که خبرگزاری آلمان اعلامیه‌ای به شرح زیر انتشار داده است :

سرهنگ کورنتز کرتن رئیس ستاد نیروی هوائی آلمان ومازور ژنرال هنز برانده افسر مقدم اداره عملیات ستاد ارتش آلمان در اثر جراحاتی که هنگام سوءقصد برعلیه هیتلر برآنها وارد آمد درگذشتند کرتن که چهل وشش سال داشت نامش دراعلامیه آلمان که راجع به سوء قصد بر علیه هیتلر انتشار یافت بعنوان یکی از کسانیکه زخم مختصر برداشتند ذکر گردید وی در آغاز تشکیل حزب نازی داخل این حزب گردید و بدریافت نشان خون که بزرگترین درجه افتخاردر حزب نازی است نائل آمد .

وی بجای ژنرال بمستونوت که طی حمله نیروی هوائی انگلیس برنیمونه ایستگاه اکتشافات فنی آلمان ومهد بمب برنده کشته شد بریاست ستاد نیروی هوائی آلمان برگزیده گردید .

ادامه وخامت اوضاع در آلمان

مسکو ـ خبرگزاری شوروی خبر میدهد که ناظرمسائل اروپائی خبرگزاری شوروی باانتکاء بمنابع مختلف اطلاع می دهد که اوضاع سیاسی داخل آلمان هم چنان وخیم است ازتحول اوضاع پس از حمله برهیتلر چنین بر می‌آید که توطئه ژنرالهای برعلیه رژیم هیتلری بررپشه های مختلفی استوار است ناظر نامبرده پس ازتجزیه دقیق اطلاعاتیکه ازآلمان رسیده است چنین نتیجه میگیرد که قوای شهربانی هیتلر که برعلیه جنبش مقاومت تشکیل گردیده‌است خودرا برای جلوگیری ازشورش نوینی که قطعا باشدت بیشتری ناشی ازذوب آتش آلمان درجبهه خاور بطور قطع روی خواهد داد آماده می کند .

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۳۰ر۲ر۱۳۲۳ بانو درتل (صالح زاده) بشناسنامه شماره ۱۴۵۷ باستناد بکبرگ گواهی نامه و روبوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۲۳ر۲۷۴ر۱ داده باینکه دکتر یوسف صالح زاده دارنده شناسنامه شماره ۱۴۵۰ در تاریخ ۶ر۲ر۱۳۲۳ در تهران جایگاه همیشگی خود فوت وحین الفوت ورثه متوفی منحصر به یك عیال دائمی بنام بانو درتل صالح زاده متقاضیه و سه نفر پسر بنام آقایان خلیل صالح زاده بشناسنامه شماره ۸۶۳ و جلیل صالح زاده بشناسنامه شماره ۱۴۲۴ و رضا صالح زاده بشناسنامه شماره ۱۴۶۳ و یکنفر دختر بنام بانو گل تاج صالح زاده بشناسنامه شماره ۱۴۶۵ غیر از پنج نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یك بار آگهی می‌شود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا هر وصیتنامه غیر از رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

نوبت سوم ۲۳ر۵ر۵ ش ۳۱۴۰

رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری

آگهی

بتاریخ ۳۱ر۳ر۱۳۲۳ آقای عبدالحمید اردلان بوکالت از طرف بانو فاطمه شاه معدی باستناد بکبرگ گواهی نامه و روبوشت شناسنامه و وکالتنامه دادخواست بشماره ۲۳ر۵۲۳ر۱ داده باینکه حاج باباعلی میرالی دارنده شناس نامه شماره ۸۳ در تاریخ پنجم مهر ماه ۱۳۲۲ در قریه کلاك جای گاه همیشگی خود فوت نموده و حین الفوت ورثه متوفی منحصر به یکدختر بنام بانو فاطمه شاه معدی بشناسنامه شماره ۱۱۵ و دو نفر پسر بنام آقایان علی میرالی و محمد میرالی و یکعیال دائمی بنام بانو بی بی غیر از چهار نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار درمجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های مرکز باطلاع میرساند که هر کس نسبت به تقاضای مزبور اعتراض دارد در ظرف مدت مزبور ابراز والا پس از انقضای موعد گواهینامه صادر خواهد شد و نیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر ازرسمی وسری باشد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری

ش ۳۲۴ نوبت دوم ۲۳ر۵ر۵

روزنامه کیهان

از روز یکشنبه پانزدهم مرداد منتشر خواهد شد

اداره روزنامه آذر

به خیابان لاله‌زار پاساژ بهار جنب روزنامه داریا منتقل شد .

۵-۲

چاپخانه داود

شماره تلفن ۶۲۵۸

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۴ر۲ر۱۳۲۳ آقای محمد میرزائی بشناسنامه شماره ۳۹ باستناد بکبرگ گواهی نامه وروبوشت شناسنامه دادخواست بشماره ۲۲ر۱۴۷۳ر۱ داده باین که محمد میرزائی صاحب شناسنامه شماره ۳۶ در تاریخ ۲۹ر۹ر۱۳۲۲ در قریه و بسیه کن جایگاه همیشگی خود فوت وحین الفوت ورثه متوفی منحصر به ۵ نفر پسر بنام آقای محمد میرزائی متقاضیه و آقایان حسن و حسین وحمیدالله و عزت الله میرزائی و دو نفر دختر بنام بانوان فاطمه و طاهره میرزائی ویك عیال دائمی بنام بانو ماه سلطان (قوامی) غیر از هشت نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد و بعدا حسن میرزائی در تاریخ ۲۶ر۱۰ر۱۳۲۲ و فاطمه در تاریخ ۲۶ر۱۰ر۱۳۲۲ و حسین در تاریخ ۳۶ر۱۰ر۱۳۲۲ در قریه و بسیه جایگاه همیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه سه نفر متوفی منحصر به یکنفر مادر بنام ماه سلطان (قوامی) بشناسنامه شماره ۱۳ غیراز یکنفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های مرکز باطلاع میرساند که هر کس نسبت بتقاضای مزبور اعتراض دارد در مدت مرقوم ابراز و الا پس از انقضای موعد گواهی نامه صادر خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مزبور ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری باشد از درجه اعتبار ساقط

رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری

نوبت سوم ۲۳ر۵ر۵ ش ۳۱۰۰

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۹ر۱۲ر۱۳۲۳ آقای محمد عباس کلانی بشناسنامه شماره ۴۰ طبق تقاضا نامه شماره ۱۳۳۷ ساله ۳۰ر۱۲ر۱۳۲۲ بسته سه برگ سوالیه و روبوشت مصدق شناسنامه تقاضای تصدیق حصر وراثت نموده بدین توضیح که شکرالله عباس کلانی صاحب شناسنامه شماره ۳۷ در تاریخ ۷ر۱۰ر۱۳۲۲ در کرج جایگاه همیشگی خود فوت و حین الفوت ورثه متوفی منحصر به دو پسر بنام آقای محمد عباس کلانی متقاضی و آقای احمد به شناسنامه شماره ۴۱ و یك نفر دختر بنام خدیجه به شناسنامه شماره ۳۹ و یك نفر عیال دائمی بنام بانو حوا بشناسنامه شماره ۳۸ غیر از چهار نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی جراید مرکز باطلاع میرساند که هر کس نسبت به تقاضای مزبور اعتراض دارد در مدت مرقوم تقدیم دادلایس از انقضای موعد گواهی نامه صادر خواهد شد و نیز در صورتیکه وصیت نامه از متوفی نزد کسی موجود و تا این تاریخ رسما ابراز و افتتاح نشده در همان مدت به دادگاه تسلیم نماید و بعد از گذشتن مدت مزبور هر وصیتنامه غیر از رسمی وسری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

ش ۳۰۹ رئیس دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری

نوبت سوم ۲۳ر۵ر۵

استخدام میشود

اداره روزنامه کیهان چندنفر موزع چرخ سوار که دارای چرخ باشند باحقوق مکفی استخدام مینماید داوطلبین بدفتر روز نامه واقع در خیابان برق سرچشمه جنب مسجد محمودیه مراجعه نمایند .

۲-۱

نگارش : (۷) ترجمه :

آ . پ . چخوف کریم کشاورز

موژیک ها

در شماره گذشته بقدری در این قسمت غلط های چاپی وجود داشته که درك مطلب بکلی غیرمقدور بوده‌است .

امید واریم این اغلاط را در چاپ جدا گانه موژیك ها اصلاح کنیم و امید واریم خوانندگان مشکلات بسیار مارا در نظر گرفته ومعلومات دارند .

روز گذشت و شب دراز پائیز آغاز گشت . در کلبه ابریشم می تابیدند . همه میتابیدند . غیر از نکلا . او باز باتسوی رودخانه رفته بود ابریشم هارا از کارخانه میآورد میگرفته و تمام اهل محاله کار میکردند و چیز مهمی گیرشان نیامده همه روی هم رفته هفته‌ای بیست کپك بدست میآورند .

پیر مرد درخش تابیدن ابریشم میگفت :

« دو دورهٔ اسارت دهقانان کار و بارمان آبهزن بود . هم کارمیکردیم وهم میخوردیم و هم میخوابیم هر چیزی وقتی و نوبه ای داشت .

ناهار آش کلم و بلغور می دادند و شام هم آش کلم و بلغور . خیار و کلم هم آزاد بود بفور هرچه دلت میخواهد سختگیری هم بیشتر می کردند و هر کس تکلیف خودش را می‌دانست . »

فقط یك چراغی که روشنائی ضعیفی میداد و دود میکرد میسوخت . وقتی کسی جلو چراغ حایل میشد و سایه بزرگی بروی‌تیره میافتاد مهتاب روشن مشاهده میگشت .

او سیب پیر مرد نقالی میکرد . بدون اینکه عجله سخن میگفت . میگفت در زمانهای گذشته ـ پیش از آزادی دهقانان‌دواین نقاط ـ این نقاطیکه اکنون‌زندگی اینهمه غم‌انگیز وپریشان شده است وضع چگونه بود .

چگونه باتازی و دار و دسته وبنه در این نقاط‌شکار میپرداختند و چطور در موقع جرگه پروستایان عرق می دادند و بارو بنه که محصولش پرندگان شکارشده‌بود به مسکو برای اربابان جوان فرستاده میشد .

نقل میکرد که‌چگونه روستائیان شریر! تازیانه میزدند وبا پرندان میفرستادند و آنانی را که وفتارشان موجب رضایت بود پاداش میدادند .

مادر هم چیزهائی نقل‌میکرد. شوهر

مشار الیها همه چیز را بیاد داشت . همه چیزرا . خانم ارباب را میاد میاورد و از او سخن میگفت . میگفت زن خیر و خدانرس بود ولی شوهرش هایش‌وفاسق بود و تمام دخترانش شرهران‌اعتاب گرفته‌ـ یکی زن‌مرد بدمستی شد .

دیگری با مردی‌از اهل شهر که مقامش خیلی از اویست‌تر بود ازدواج کرد ـ ایمی از محرمانه ربودند (خود مادر شوهر که آنزمان هنوز شوهر نکرده بود دو این امر با مشار الیها کمك کرده بود) وهمه از قصه بزودی مردند وبیچاره مادرشان هم همینطور . مادر شوهر حتی از یاد آوری این وقایع بگریه در آمد .

ناگهان کسی در را کوبید و همه یکه خوردند .

صدای از پشت در شنیده شد : « هو اوسیپ ـ راهم‌بده امشب را در خانه تو بگذرانم » پیرمك طاس اهنی آخیزتراش ژوکوف همانکه کلاهش آتش گرفته بود وارد شد .

نشست و قدری بسخنان‌دیگران گوش فرا داد و سپس‌خود نقالی آغاز کرد .

نیکولای بروی بخاری نشسته و پاها را آویزان کرده و سخنان او را استماع و بی در پی در باره غذاهائی که در خانه اربابان تهیه میشد از آخیز پیر پرسش میکرد .

از اقسام کتلت و انواع حلوا سوس ها گفتگو شد و آخیز تراش که حافظه خوبی داشت‌و همه چیز یادش بودامم غذا هائی را میبرد که حالا دیگر وجود نداشت .

مثلا میگفت غذائی وجود داشت که از چشم کاو نر تهیه می شد .

نیکولای پرسید: « بگوببینم آنزمان ها « کتلت مارشال » درست میکردند ؟ » آخیز جواب منفی داد .

نیکولای سری بعلامت سرزنش تکان داده و گفت « عجب آخیزی ! « کتلت مارشال « را نمیدانند »

دخترانی کوچولو که بعضی بروی بخاری نشسته و برخی دراز کشیده بودند بسوی پائین نگاه میکردند و خموش بودند. چنین بنظر می آمد که عده شان بسیار زیاد ـ استاد آن بالا بفرشنگی ی ک، در ابر ها پائیکن‌بشده باشند شباهت داشته . از این قصه ها خوششان می آمد ـ گاهی تکانشان میداد ـ گاهی آه میکشیدند ـ زمانی از ترس و گاهی از بشاشت ونگشان می پرید . مادر شوهر ازهمه بهتر نقل میکرد وبچه‌ها با دقت‌بسخنان او گوش میدادند و حتی میترسیدند بخود بجنبند .

پی سر وصدا برای‌خواب‌دراز کشیدند. پیران که حکایات وخاطرات گذشته تحریك و تهیجشان کرده بود فکر میکردند که‌چقدر جوانی خوب است . زیرا بهر نحو گذشته باشد خاطره ای که از آن باقی می ماند همانا زنده و یك و فرحبخش ومتاثر کننده است فکرمیکردند که چقدر این مرگی که چندان دورنیست وحشت آور میباشدوبهتر است درباره آن بیندیشند . تاریکی و دوتجره ای که مهتاب‌روشن کرده بود و سکوت و صدای حرکت گوساله به طرفان میاورد که زندگی گذشته و بهیچ وسیله‌ای باز گردانده نیست .

تا میرفتی چرتی بزنی و این چیزها را فراموش کنی کسی شانه ات را تکان میداد و یا نسیمی بصورتت میوزد ـ نمیشد خوابید . بدن نیم‌مرده بود . اندیشه‌مرك هرآن از مغز میگذشت ازاین پهلو بآن‌پهلو میغلطیدی ـ فکر مرك ترکت میکندت ولی افکار پریشان و انبوه آور قدیمی ـ فکر احتیاج ـ فکر غذای روزانه ـ فکر اینکه آردگران شده اذیت میکرد .

آخیز آهی کشیده و گفت : « آه خدایا ! »

www.iran-archive.com

آذیر

از مراغه
نماینده قانونی آذربایجان می دانیم

مجلس کبیه رهبر کبیه مردم کبیه آذربایجان کبیه دماوند کبیه وظیفه کبیه ظفر مخالفت بااعتبار نامه آقای پیشه‌وری نماینده حقیقی آذربایجان توهین بر آزادی خواهان آذربایجان تلقی می شود پیشه‌وری نماینده طبیعی و قانونی آذربایجان می باشد تقاضای تصویب اعتبار ایشان را مینمائیم از طرف جمعی

تقی زاده .

از تبریز
شکایت کارگران

مجلس شورای ملی رونوشت وزارت پیشه و هنر رونوشت نامه ظفر رونوشت آذیر رونوشت دماوند رونوشت رهبر رونوشت شعله ور ماکار گران کار خانه کلکته ئی از مقررات اقتصادی دولت بی نصیب حقوق خودمان غیر کافی و عائله مان هر بان تقاضای تجدید مقررات دکتر شیخ اقدام فوری از طرف نمایندگان کارخانه کلکته ئی .

ابراهیم مالك .

از شیراز
اعتراض توده شیراز

کبیته مرکزی حزب توده ایران کبیه مجلس کبیه آقای دکتر مصدق کبیه آقای کام بخش کبیه توسط آقای کام بخش وکلای حزب توده ایران کبیه رهبر آذیر کبیه دار یا کبیه توسط رهبر جرایده جبهه آزادی اینك که ارتجاع قدار با دستی لرزان و خون آلود برای اختناق آزادی دوصدد رد اعتبار نامه آقای جعفر پیشه وای نماینده حقیقی آذربایجان محبوب بر آمده است تنفر شدید خویش را نسبت به اعمال ارتجاع ابراز کرده در صورت موفقیت آنان عواقب وخیم جبران نا پذیر این عمل خائنانه را گوشزد می نمائیم حزب توده ایران کمیته محلی شیراز عید — الحسین هوشمند داد ۲۳/۴/۲۹

عریضه تظلم آمیز
جناب آقای اخت وزیر

با نهایت احترام بعرض عالی می رسانند بنجاه مرتبه تلگراف و صدمرتبه نامه نوشتیم باز وزارت بهداری باد ما نرسیده است این آخرین فریاد است که بدات اقدس میکنیم از وزیر گرفته تا روسای ادارات و مستخدمین که حقوق مکفی دارند افزایش و کمك وادریافت نموده اند در صورتیکه استحقاق کمك برای اشخاصی که دارای عائله زیاد و حقوق کم میباشند واجب است که اصلا دراین گیرودار و از گرسنگی بدم رهسپار شوند و این اجرات غلط موجب گرسنگی و مصیبت بیچاره کان مامورین خزانه نمی شود بواسطه عدم لیاقت رئیس مربوطه خودمان که فقط مواظب مطب شخصی خود بوده که روزی دو ساعت باداره می آید باین قبل ناملایمات و روزگار سیاه می افتیم ما هاشاد نفر که هر یك دارای چندین نفر عائله پیر زن ها و بچه های شیرخوار با شکم گرسنه و با کمال ادب در برابر آن وجود پاك تعظیم کرده بنام دادخواهی از آن جناب استمداد مینمائیم که بذات اقدس الهی خشمناك دستور فرمائید بدرایش ما و فکر بدبختی بیچاره گان اینجانبان پشود که شوائیم جواب طلب کارها را بدهیم .

این نامه بوسیله پست شهری باداره رسیده است .

محل امضای ۲۰ نفر

ستون سیاه شماره ۲

جناب آقای ملك مدنی نماینده سرتیزه تیمسار سپهبد احمدی را معرفی می کنیم .

نماینده جنطلمنی که بطرز لردها لباس پوشیده درلچه مخصوص ملایری بتقلید قانون شناسان خبره و دانشمندان متبحر از تریبون مجلس شورای ملی اظهار معلومات میکند پیش از پیدایش سردار سپه بخرید و فروش شیره و خشکبار اشتغال داشته بکمرد تنك مایه بازاری بوده است .

کاریر سیاسی این جناب از قرار مطلوم از مجلس موسسان تاریخی که بنای استبداد کبیر ثانی در آن گذاشته شد آغاز گردیده است

از آن تاریخ جناب آقای ملك مدنی یکی از نمایندگان لایتغیر و بلافصل ادرار مجلس رضا شاهی بوده در تمام جنایاتی که باسم قانون درحق ملت ایران بکارفته بطور مستقیم و غیر مستقیم شرکت داشته یکی از ارکان پایدار و غیر متزلزل رژیم قلدری وزورگوئی وحبسها و تبعیدها و آمپولهای نامردانه وقتل وغارت و بی‌ناموسیهای گوناگون بوده است .

آقای ملك مدنی امروز البته یك مرد بازاری نیست . اگرچه اقوام و منسوبین ایشان از بازار دست نکشیده تمام تجارت ملایر را مانند شاه سابق از سیر تا سرمه مونوپول کرده اند ولی خود آقا یکی از بزرگترین ملاکین و عمده ترین اعیان محل تلاته بشمارند .

بنا بگفته اشخاص بصیر آقای ملك واخوی ایشان آقای محمود مدنی از دولت سرشاه سابق واز برکت نمایندگی مجلس شورای ملی صاحب دارائی هنگفت شده اند .

اگر رسیدگی بحسابهای بیست ساله شوخی نباشد بهتر است این کار از مجلس شورای ملی شروع بشود ملایر عجب دارد اگر در مجلس کمیسیون ملاحیت داری تشکیل شود آقای مدنی را بخواهند وازایشان سوال کنند که این همه ثروت ودهات و املاك وغیره را چگونه توانسته اند باحقوق شندرغاز مجلس شورای ملی پس‌انداز کنند ؟

اخوی آقا با چه صلاحیتی بامرکت برق از اشل اداری بالارفته مدیر کل وزارت خانه مهمی مثل وزارت پیشه و هنر شده اند .

آقای ملك می‌دانند ما چه میخواهیم بگوئیم . ایشان کاملا اطلاع دارند اعلام جرمیکه آقای مهندس فریور برعلیه آقای بدر کرده اند اخوی گرام ایشان آقای محمود مدنی مستقیما مسئول هستند . زیرا معاملاتی که سالی پانصد هزار تومان سود استفاده شده است بادست چابك و ناپاك ایشان انجام گرفته است این تهمتی نیست که ما اختراع کرده باشیم این اعلام جرمی است که در مجلس شورای ملی بعمل آمده است

با وجود این آقای محمود خان هنوز مدیر کل وزارت پیشه و هنر هستند شاید بزودی بمقام وزارت هم برسند ولی این لکه تاریخی دائما در دامن ایشان باقی خواهد بود حتی تصمیم مجلس که اکثریت آنرا افکار عامه محکوم کرده است اخلاقا در تبرئه ایشان تاثیر ندارد .

ما البته برادر را مسئول کارهای برادر نمیدانیم حتی پسر هم مسئول جنایات پدر نیست ولی اگر آقای ملك مدنی نماینده مجلس شورا نبود آقای محمود هرگز نمیتوانست مقام اداری امروزی را بدست بیاورد وممکن نبود خیانت باین بزرگی را بتواند انجام بدهد .

اهالی رشت ومازندران دادشان باسمان میرسد ولی گوش شنوا کو بازخدا بدر آقای مهندس فریور را بیامرزد که برای ثبت تاریخ هم باشد مسئله نوغان را آفتابی کرده همه فهمیدند که رئیس اداره نوغان بعنی آقای محمود مدنی سال گذشته در معامله غیرقانونی پدرمردم را درآورده کاری کرده است که بعداز دوسال دیگر باید این رشته مهم فلاحتی و صنعتی کاملا از بین برود .

اما ملایر : طوری که اهالی بیطرف آن جا نقل میکنند ومخبر ما اطلاع می‌دهد آقای ملك مدنی بواسطه کرسی نمایندگی بیست ساله خود توانسته است این قسمت مهم ازخاك ایران را بتیول خود قرار بدهد . تمام مامورین ودوائر دولتی آنجا از بزرك و کوچك دست نشانده ایشان هستند . غیراز ایشای هیچ کس را برسمیت نمیشناسند حکومت مرکزی ودوائر مرکزی را قابل اعتنا واطاعت نمی‌دانند آقا بامیل واراده خودهر کسی رابخواهد میتواند در کاروفرمان تغییر وتبدیل بدهد . تسلط آقا بجائی رسیده که حتی دادستان وقضات ومامورین دیگر دادگستری ناچارند از ایشان حساب برده اوامرشان را کورکورانه اجرا بکنند . فقط نفرانی بیچاره (دادستان سابق ملایر) این حقیقت را اذعان نموده و خواست هنگام انتخابات از دستور آقا خارج بشود و برخلاف میل ایشان رفتار نماید طوریکه انتظار میرفت بفوریت بقهر و غضب آقا گرفتار بمولد اصلی خود پرتاب گردید .

در شماره گذشته برای نمونه تلگراف آقای قربانی را درج کردیم این برای شان دادن مطاق المنانی وزور گوئی وچپاول آقای جناب آقای نماینده ملایر مشتی ازخروار بود

دو خانه این مشتی تلگراف بانوعرت دهقان را چاپ میکنیم این تلگراف نشان می‌دهد که آقای ملك مدنی چگونه توانسته است بهترین دهات ملایر را بچنك بیاورد .

در تلگراف قربانی گفته میشود که تلگرافخانه ملایر از ترس آقای ملك مدنی شکایات تظلم آمیز ما را مخابره نکرد ناچار بارك آمده ازآنجا فریاد خودرا بگوش مجلسیان میرسانیم

بیچاره قربانی خیال میکند مجلس ملی درکار است ودرآنجا دادرسی وجود دارد . وبعرایضی که بآنجا فرستاده میشود کسی هست که رسیدگی وترتیب اثر بدهد

تازه اکثریت مجلس مگر غیراز تیپ ملك مدنی ها است کی اینها میتوانند برضد یکدیگر حرف بزنند .

آقای ملك مدنی دیگر آن مرد متوسط‌الحال بازاری نیست خیلی کلفت شده حتما ازشاه مطلق‌العنان سابق هم درمحل سلطه خود کلفتتر است .

شاه سابق فعالیتش محدود بود . حتی مظالم وزور گوئیهای خودرا صورت ظاهر قانونی میداد . از تزویر آمپول وخفه کردنهاهم سنی میکرد آثاری باقی نگذارد .

اما آقای ملك مدنی کارش بجائی رسیده است که روی مظالم خودرا احتیاج نمی‌بیند بپوشاند از کسی بیم وهراس ندارد هرچه دلش میخواهد میکند برای دولت ومجلس کوچکترین وزنی قائل نیست زیرا همکاران خود را از همه بهتر می شناسند .

نمایندگی دوره چهاردهم آقای ملك مدنی

اهالی ملایر وتویسرکان ونهاوند خیال کرده بودند که دوره استبداد وزور گوئی سپری شده است دیگر فرماندار و دهدار و کدخدا نمیتوانند از روی دفتر آمار صورتی تنظیم کرده آقای مطاق‌العنان را بعنوان نماینده آنها بمجلس بفرستند بنابراین بااعلان انتخابات دوره چهاردهم مانند همه شهرستانها درآنجا هماهم عده‌ای داوطلب پیداشده خود را کاندید کرده بودند . بآغاز انتخابات طوریکه معمول امسال بود میان مردم احساسات شدیدی بوجود آمد مردم میخواستند از حقوق ملی خود آزادانه استفاده نمایند .

این را اعوان وانصار آقای ملك ازهمه بهتر احساس کرده بودند . دولت که نمیتوانست در نمایندگی آقا حرف داشته باشد سازمانها و دوائر دولتی هم دست منسوبین وگماشتگان خود آقا بود دادستان وابوریت اخراج کرده بودند متنفذین وملاکین هم که جرئت حرف زدن واظهار مخالفت نداشتند زمینه نامشروع ازهرجهت مهیا وآماده بود ولی احساسات مردم را خفه کردن کار مشکلی بنظر می آمد .

سؤال ؟

روزنامه پرورش را فرماندار نظامی بمیل خود یا بدستور مقاماتی توقیف کرده اگر چنین حقی را ازبرای خود تصور کرده باید مجوز آن رابیان کند واگر بدستور مقاماتی است خوبست مقامات مذکور رامعرفی کند تابتکلیف قانونی و مطبوعاتی عمل کنم اولا ناچارم راز نهانی مسببین اختناق آزادی را آشکار وپرده ازروی اسرار اینگونه عملیات خلاف قانون بردارم

میر احمد مدنی — مدیر روزنامه پرورش .

آذیر — سایتمام همکاری و آزادی مطبوعات پرسش آقای مدنی را که یکی از آزادی‌خواهان قدیمی است درج کرده امیدواریم آقای فرماندار نظامی دوش جواب روزنامه پرورش را از توقیف خارج نمایند .

مخصوصا در تویسرکان مخالفت شدیدتر بود همه میخواستند آقای پارسا را که جوان تحصیل کرده و با احساساتی هست انتخاب بکنند در خود ملایر هم کار رفته رفته بالا میگرفت . تصور میرفت که اگر مردم را آزاد بگذارند آقا بطور حتم مغلوب خواهد شد .

نه پول نه نفوذ نه تهدید و نه تطمیع هیچکدام ممکن نبود مؤثر واقع بشود .

ناچار پس از مطالعه زیاد نقشه شومی کشیده با دست یکی از منسوبین آقا شورش وهمیان مصنوعی ایجاد نموده ذهن مرکز را طوری مشوب کردند که دستور داده شد هرچه زودتر بااستعمال اسلحه اغتشاش را خاتمه بدهند .

آقای تیمسار سپهبد احمدی همه میدانند که باآقای ملك مدنی از دیر زمانی سری وسری دارند در سایه این دوستی دیگر گفتگو ودوندگی لازم نبود اولین فیلد مارشال ایران که در ریختن خون هم میهنان خود امتحان داده ورزیده شده است فرمان صادر کرد . دوستون نظامی بطرف ملایر رهسپار شدند مترالیوز ها وتوپ و تفنك ها بکار افتاد شورش مصنوعی بااتخاب آقای ملك مدنی بآخر رسید .

سندی در دست هست که در تویسرکان چندین هزار نفر باآقای پارسا رای داده اند وعوض آنها اسم آقای ملك مدنی از صندوق بیرون آمده شده اند میدانند دیگر چه حوادث نگفتنی هم در بین بوده چه تیرانگیها وحقه بازیهای شرم آوری هم بکار رفته است .

بهر حال جناب آقای ملك مدنی از سوء استفاده چهان بیست ساله است که عوض سردار درراس عده از نمایندگان بی‌مسلك و بی‌هدف ومرتجع و دیکتاتور تراش قرار گرفته یك قسمت مهم وزرخیز خاك ایران را از چنك دولت ایران در آورده تیول خودقرار داده است

اینك تلگراف با وزنیت که نمونه از زور گوئی این مار خوش و خط خال واین جنطلمن تازه بدوران رسیده را در نظر شما مجسم مینماید .

زنبور درشت
تلگراف از ملایر مخابره شده

آقای ملك مدنی ٤ رونوشت جناب آقای نخست وزیر ثبت کل وزارت دادگستری توسط آقای دکتر فریدون کشاورز فراکسیون حزب توده وکالتی که ایجاد از انتخاب زینت الدوله دهقان در باز گاه باشار رئیس ثبت ملایر آقای اسعد — السلطنه در روز ۲۳/۳/۳ گرفته اید بدین وسیله وکالت شما لغو واز درجه اعتبار ساقط میشود .

زینت دهقان

www.iran-archive.com